

نوسترآداموس سانتوری 4

IV 1

CEla du reste de sang non espandu,
Venise quiert secours estre donné,
Apres quoir bien long temps attendu,
Cite liuree au premier cornet sonné.

آن قسمت باقیمانده از رنگ که افشانده نشده،
پلمپ شدن باعث جلوگیری از کمک اعطا شده (کمک کلام خدا) می شود،
بعد از آنکه مدت کاملاً طولانی انتظار کشیده میشود،
با اولین در بوق دمیدن (دمیدن صور) فراخوان برای اثبات و ارجاع به مستندات و ظهور، آزاد میشود.

IV 2

Par mort la France prendra voyage à faire,
Classe par mer, marcher monts Pyrenees,
Espagne en trouble, marcher gent militaire,
Des plus grand; dames en France emmenees.

در میان مرگ، فرد روراست برای ظهور حقیقت راه مسافرت پیش می گیرد،
کشتی در محیط غیرعقلانی، راه نشان در سکوت را پیش میگیرد،
افراد بنده شمس در زحمت و سختی، رهرویی افراد نظامیگری،
از بزرگترین بانوان در فرانسه برده میشوند.

IV 3

D'Arras & Bourges de Brodes grands enseignes

Vn plus grand nombre de Gascons battre à pied,

Ceux long du Rosne saigneront les Espagnes,

Proche du mont ou Sagonte s'assied.

از پاک طبیعتی و رنگ و لعاب زیبایی ، از تابلو نشانهای زرین دوزی،
شمار بسیار زیادتری از آدمهای لاف خود ستایی زن سعی در پیشی گرفتن دارند،
آنهايي که از این خروش طولانی دوستداران شمس (بعنوان الهه سرنوشت) را خون دل می دهند،
نزدیک به قالبی که صیاد نشسته است.

IV 4

L'impotent prince fasché, plaines & querelles

De raps & pillés par coqs & par lybiques

Grand est par terre, par mer infinies voilles,

Seure Italie sera chassant Celtiques.

شاهزاده ناتوان و درمانده، خشمگین و شاکی و پرخاشگر می ستیزد،
از زخم زبانها و غارتهای ایجاد شده از موج مهر لطیف و مردمان مشتاق،
بزرگمرد در میان نشانه های ردیف شده و دیدگاه غیر منطقی در حجاب بی پایان پوشیده می ماند،
فهمیدن نشانه های تامل برانگیز(درکلام خدا) بوسیله مردمی که لوح سنگی سرنوشت را حکاکی می کنند
وسیله ای برای تعقیب و شکار کردن می شود.

IV 5

Croix, paix sous un accomply divin verbe,
L'Espagne & Gaules seront unis ensemble,
Grand clade proche, & combat tresacerbe,
Cœur si hardy ne sera qui ne tremble.

صلیب ، اسلام در تکمیل شدن کلمه خدا،
کسانیکه به شمس بعنوان خدا می نگرند و وابستگان قلاب ماهی صید کردن در همنوازی متحد می
شوند،
اشتراک ریشه ای بزرگ نزدیک است و جنگ خیلی جدی و تلخ،
هیچ دلی آنقدر بی باک نیست که نلرزد.

IV 6

D'habits nouveaux apres fait la treuue,
Malice tramme & machination:
Premier mourra qui en sera la preuue,
Couleur Venise insidiation

بعد از اینکه شناخت (کلمه الهی) اثبات شد در هیئتی جدید لباس می پوشند،
بافتن توطئه و دسیسه چینی ،
والای می میرد چیزیکه در آن اثبات می شود،
رنگ حقه ونیزی در بازی ورق دارد.
(در این بازی خال آس یا ژوکر مافوق شاه است و پنهان داشته میشود تا سر نمره های زیاد در آخر رو
میشود . قضیه این است که ارزش دجال بالاتر از مهدی است و با پنهانکاری تا آخر بازی منتظر اعلام
نتیجه از دجال می مانند)

IV 7

Le fils mineur du grand & aimé Prince

.De lepre aura à vint ans grande tache

: De deul sa mere mourra bien triste & mince

Et il mourra là ou tombe chair lache

سازه زیبای کم زور بزرگمرد و جانشین شونده محبوب از او،
از کنار گذاشتن (توسط مردم و دجال) در رگه خوشدلیها به جادو لکه دار می شود،
از قطع امید کردن ، قصد و آهنگش به آن می میرد کاملاً گرفته و بیحال و کم زور،
و آن می میرد در همانند سازی زمخت و بیقواره و شل و ول.

IV 8

La grand cité d'assaut pront & repentin,

Surprins de nuict, gardes interrompus:

Les excubies & veilles saint Quintin,

Trucidez gardes & les portails rompus

بخاطر قانون مجازات و پاداش هجوم دفاع و ستایش و پس نشستن و توبه ،
از برچسبیدن و انطباق (مفاهیم کلام الهی بر واقعیت زمانه) شگفت زده شده گارد در هم می شکنند،
طنابها و بادبانهای متمایز و مشخص شدن مقدس بودن (سنت کوینتین)،
گارد گرفتن بخاطر مورد قتل واقع شدن و در هم شکستن راه نفوذ به آنها.

IV 9

Le chef du camp au milieu de la presse,
D'un coup de fleche sera blessé aux cuisses.
Lors que Geneue en larmes & en detresse
Sera trahy par Lozan & Souysses.

رهبر کمپ در میدان خواندن به بایستی انتشار نظر عمومی،
در یک لحظه با فلاش تبرک کردن همه (توسط دجال) دچار عدم همیاری و بی توجهی به خواستش
میشود، (مهدی موعود را که ازیل الفخذین خوانده اند به همین دلیل است که در دو جهت او را تنها می
گذارند و به عمد یاریش نمی کنند)
تا در این موقع خم دادن به (سرنوشت) در میان اشک و پریشانی انجام شود.
خیانت میشود توسط کسانی که رها و تنها می گذارندش با قسمی که در همپیمانی در هدف خورده بودند.

IV 10

Le ieune Prince accusé fausement,
Mettra en trouble le camp & en querelles;
Meurtry le chef pour le soustenement,
Sceptre appaiser, puis guerir escroüelles.
پرنس دارای ویژگیهای جوانی به ناحق متهم می شود،
این اتهام، کمپ و سنیها را دستخوش و گرفتار می سازد،
رهبر مذهبی بخاطر پشتیبانی از او شهید میشود،
گردآورده های نشانه های کلام خدا باعث تسکین خاطر میشود، سپس درمان فروپاشی .

IV 11

Celui qu'aura couvert de la grand cappe,
Sera induit à quelque cas patrer:
Le douze rouges viendront souiller la nape,
Soubs meurtre, meurtre se viendra perpetrer.

او که بطور سریسته شل بزرگ را خواهد داشت،
چند مورد سند حقیقت را در چراندن القا می کند،
اثنی عشری های سرخ از خشم می آیند برای خاکی و خوار کردن لباس،
تحت عنوان قتل ، قتل برای ترتیب دادن می آید، (تحت عنوان زیبا راه رفتن بر رویشان، زیبا راه رفتن بر
روی دیگران ترتیب دادن میاید)

IV 12

Le camp plus grand de route mis en fuite,
Gueres plus outre ne sera pourchassé:
Ost recampé & region reduicte,
Puis hors de Gaule du tout sera chassé.

کمپ در قسمت اعظم راه در گریز گذاشته میشود،
جنگ و ستیز در قسمت دیگر دنبال نمیشود،
شرق کمپ را دوباره سازی می کند در محیط کوچک تر،
سپس خارج از صید با قلاب به کلی تعقیب و بیرون رانده میشود.

IV 13

De plus grand perte nouvelles rapportees,
Le rapport fait le camp s'eslongnera:
Bendes vnies encontre reuoltees,
Double phalange grand abandonnera.

بیشترین هدر دادن اخبار گزارش شده،
خود امر گزارش دادن باعث امتداد یافتن کمپ میشود،
نوار تبلیغاتی که بر علیه انقلابیها متحد می شود،
دوبرابر ساختن بوی خوش باعث رها ساختن و بی توجهی به بزرگمرد می شود .

IV 14

La mort subiette du premier personnage,
Aura changé & mis vn autre au regne :
Tost, tard venu a si haut & bas aage,
Que terre & mer faudra qu'on le craingne.

مرگ ناگهانی شخصیت اول،
تغییراتی را به همراه خواهد داشت و فرد دیگری در راس حکومت گذاشته می شود،
دیر یا زود آنچنان بالا میاید با وجود سن پایین ،
که بخاطر نشانه های آرایش یافته و محیط غیرعقلانی ، لازم است از او ترسید.

IV 15

D'où pensera faire venir famine,
De là viendra le rassasiement :
L'œil de la mer par auare canine,
Pour de l'un l'autre donra huile froment.

از جایی که او فکر می کند گرسنگی شدید به انجام و عملی شدن میاید،
از آن آرامش و رضایت خاطر می آید،
چشم با دیدگاه غیرمنطقی در میان آز و طمع سگ مانند،
بخاطر اینکه یکی دیگر از (فکر) یک نفر خوشبویی و ییزارشدگی می بخشد.

IV 16

La Cité franche de liberté fait serue,
Des profligez & resueurs fait azyle :
Le Roy changé, à eux non si proterue,
De cent seront deuenus plus de mille.

قانون پاداش راست و منصفانه از آزادی خدمت میشود،
تابلو نقشینه و رویاها را ساختن پناهگاه را شکل می دهد،
پادشاهی که دچار تغییراتی شده همسو با آنها بطور کامل بیان واضح و فریاد نمی کند،
واکاوی نشانه ها و مفاهیم به جفت و جور و ردیف کردن عملی تبدیل می شوند.

IV 17

Changer à Beaune, Nuy, Chaalon, Dijon

Le duc voulant amender la Barree,

Marchant pres fleuve, Poisson bec de Plongeon,

Verra la queue porte sera serree.

تغییرات در الهه رودخانه تند، عریانی، آرمیدن در رختخواب، خدا ماندی،
فرمانده نیروها سعی در اصلاح اوضاع بغرنج دارد،
راهپیمایی و تظاهرات نزد جریان روشن، نوک شکارگر پلکنده به دور سقوط،
دیده خواهد شد که صفوف مردم در قسمتهای حومه ای شهر بهم فشرده میشود.

IV 18

Des plus lettrez dessus les faits celestes

Seront par princes ignorans reprouuez,

Punis d'edit, chassez comme celestes,

Et mis à mort là où seront trouvez.

نوشتجات بسیار دانشمندانه و پرمفهوم از امر آسمانی،
بوسیله نادان و جاهل‌هایی که امید به چیرگی در آینده دارند رد و محکوم میشود،
تنبیه رای خودسالارانه، تعقیب و بیرون رانده میشوند همانگونه که امر آسمانی می‌گوید،
و هر جا برتری علمی شناختی بر آنها یافت میشود در مرگ گذاشته میشوند.

IV 19

Devant Roüan d'insubres mis le siege,
Par terre & mer enfermez les passages,
D'Haynaut : & Flâdres de Gand & ceux de Liege,
Par dons levees rauiront les riuages.

در جلوی خروج شورشگران، دژ برپا میشود،
در میان نشانه های آرایش یافته و محیط تفکر غیر منطقی راه های گذر مسدود میشود،
بوسیله کسانی که از ترس مهاجم و پرخاشگر شده اند و آخوندها از لطف (از تقدیر جادویی) و آنها که
وفادار و سرسپرده فرمانده اشان هستند،
در میان عطیه خیزش انقلابی دشنام دهندگان و لعنت کنندگان را می ربایند.

IV 20

Paix vbertré long temps Dieu loüera
Par tout son regne desert la fleur de lis,
Corps morts d'eau, terre là l'on apporter,
Sperant vain heur d'estre là enseuelis.

صلح گسترده شده زمان طولانی به ستایش خدا خواهد پرداخت،
در میان همه قلمرواش شکوفایی علم کلمه رها میشود،
مرگ قالبها از جوهر معنا، نشانه های آرایش یافته دیگر آنجا روی کار میاید،
چشمداشت بیهوده که خوشبختی دفن شود.

IV 21

Le changement sera fort difficile,
Cité prouince au change gain sera,
Cœur haut, prudent mis, chassé luy habile
Mer; terre, peuple, son estat changera.

تغییر خیلی سخت خواهد بود،
قانون پاداش ناحیه ، مشمول تغییر خواهد شد،
دروغ و وارونگی خیلی بالاست ، فرد با احتیاط و پیش و پس را بپا مورد اقتباس قرار می گیرد و خودش
تعقیب و بیرون رانده میشود توسط فرد زبل و نردست،
نحیط فکری غیر منطقی ، مردم ، موقعیتش تغییر خواهد کرد.

IV 22

La grand copie qui fera defchaffée,
Dans vn moment fera befoin au Roy :
La foy promife de loing fera fauffee,
Nud fe verra en piteux defarroy.

برگرداندن ترجمه ای بزرگ کلمه که از خود بدور رانده میشود،
در یک زمان پادشاه را مورد نیاز میسازد،
زمینه امیدواری آینده در زمان طولانی در قالب پیشگویی خطا نشان داده می شود،
خود را عریان می بینند در وضعیت سرخوردگی رقت بار.

La legion dans la marine classe

Calcine, Magne, souphre & poix bruslera,

Le long repos de l'asseuree place,

Port Selin, Herc le feu les consumera.

گروه جنگنده در کلاس حیرت و غفلت از تمرکز،
آهک ، منگنز، گوگرد و صدای بلند مشتعل میشوند،
آرامش خاطر طولانی در محلی که بیمه شده ،
باب ماه ، هرکول ، رای و نشان کاملاً فراموش گردید.

Quy sous terre sainte d'ame voix fainte

Humaine flemme pour diuin veoir luire,

Fera des seuls de leur sang terre tainte,

Et les saints temples pour les impurs destruire.

کسیکه تحت نشانه های آرایش یافته مقدس صدایش بر جان بطور ضعیفی شنیده می شود،
شعله انسانی است برای روشن ساختن دیدگاه خدایی ،
یگانه ها از رنگ خودشان نشانه های آرایش یافته را رنگ می کنند،
و معابد مقدس بخاطر ناخالصی خرابکاری می کنند.

IV 25

Corps sublimes sans fin à l'œil visibles,
Obnubiler viendra par ses raisons,
Corps, front comprins, sens, chef & inuisibles,
Diminuant les sacrees oraisons.

طرح و قالبهای (از کلمه الهی) بطور شگفت انگیز تمام نشدنی به چشم می آیند،
وسواس خواهد آمد بنا بر دلایلش،
قالبهایی دیگر که به خوبی فهمانده میشود (توسط دجال) ، رئیس (دجال) و نادیدنیها،
تقدس سخنرانی مذهبی را کاهش می دهد.

IV 26

Lou grand cyssame le leuera d'albelhos,
Que non sauran don, te signen venguddos,
Denech l'embousq, sou gach sous las tail hos,
Ciutat traihdo per cinq leugos non nudos.

شومی بزرگی بویش بلند میشود،
که کسی نمی داند از کجا و چرا؟
کمین در اتفاقی که اجازه به آن چسبیده ، نگهبان در زیر درخت مو،
قانون پاداش (کلمه خدا) بدست پنج احمق پرگو غیر عریان تجویل داده میشود.

IV 27

Salon, Mansol, Tarascon de Sex l'arc,
Où est debout encor la pyramide :
Viendront livrer le prince d'Annemarc,
Rachapt honny au prince d'Artamide.

اتاق نمایش ، کافری که لباس قدیس پوشیده ، اژدهای قوس سکس ،
چیزیکه تا زمان پیری هنوز برپا مانده ،
می آیند تا شاهزاده ای که سال خاصی برایش شوم است را آزاد کنند،
رهیدگی که منفور است برای شاهزاده که مثل خرس قوی و پایدار است.

IV 28

Lors que Venus du Sol fera couuert,
Sous l'esplendeur sera forme occulte,
Mercure au feu les aura decouvert,
Par bruit bellique sera mis à l'insulte.

آنهنگام که مظهر زیبای توسط شمس (دجال) پوشانده میشود،
زیر شکوهمندی ، نهان ماندنش، شکل می گیرد،
معامله در اثر علامت آنها نمایان می شود،
در میان آوازه ستیز مانند در معرض هجوم گذاشته میشود.

IV 29

Le Sol caché éclipsé par Mercure,

Ne sera mis que pour le ciel second :

De Vulcan Hermes sera faite pasture,

Slo sera veu pur rutilant & blond.

شمس (دجال) که شخصیتش مخفی بود بوسیله مظهر پیامرسانی دچار ازدست دادن وجهه میشود (کسوف)،

قرار داده نمیشود بجز پی گرفتن و یکسره شکافتن برای طرح نشانه دار دوم ،

از آتشفشان پیامرسانی و سخنرانی اوج چرانیدن و چوپانی خواهد شد،

کم کم پالایش شده دیده خواهد شد ، تابان و برملا.

(ولی زمانی می رسد که با تقوی و نکوکاری او تمامی شکوه شمس {دجال} منهدم میشود.)

IV 30

Plus unze fois Luna Sol ne voudra,

Tous augmentez & baissez de degré :

Et si bas mis que peu or on coudra,

Qu'apres faim, peste, decouvert le secret.

شمس (دجال) بیش از خوشدلی به جادوی یگانه ماه را نمیخواهد،

همه بالا شدن و پایین شدن درجه را،

و آنچنان پایین قرار داده میشود بخاطر اینکه طلای کم کوک می زند،

همانطور که دریافت نو از کلمه راز آلود در وحله نخست، بعد از اشتیاق و طعنه قرار دادرد.

IV 31

La lune au plain de nuict sur le haut mont

Le nouveau sophe d'un seul cerveau l'a veu,

Par ses disciples estre immortel s'emond,

Yeux au midy, en ses mains corps au feu.

ماه در وضوح و آشکارایی کلام خدا که منطبق با اوضاع زمانه است در قالبی والا،

معنای تازه خردمندان از یک اندیشه ناب دیده میشود،

بوسیله دنباله روان حکمتش با هرس کردن و اصلاح جاودانی میشود،

دیدگان در جهت شدت یافتن روشنایی، به دست آنها بدنه حقیقت و شناخت غرق رای و نشانه میشود.

Es lieux & temps chair au poiss. donra lieu :

La loy commune fera faite au contraire :

Vieux tiendra fort, puis osté du milieu

Le Panta coina philôn mis fort arriere.

IV 33

Iupiter ioint plus Venus qu'à la Lune

Appatoissant de plenitude blanche :

Venus cachée sous la blancheur Neptune,

De Mars frappé par la granée blanche.

الهه عدالت بیش از آنکه به زیبایی وصل شود به ماه وصل میشود،

ترغیب کننده لبریز از سروری و تابانی،

مظهر زیبایی پنهان شده در تابانی الهه بیعقلی و حیرت،

از الهه ستیزضربه میخورد با زیبایی و سروری بسته بندی شده.

IV 34

Le grand mené captif d'etrange terre,

D'or enchainé au Roy Chiren offert :

Qui dans Ausone, Milan perdra la guerre,

Et tout son ost mis à feu & à fer.

هدایت داده شده بزرگ ، اسیر در نشانه های آرایش یافته بیگانه ،
زنجیر شده در طلای گزاره و ارائه چیرن شاه،
کسیکه در بزرگ شدگی و صاف و همواری نبرد را خواهد باخت،
و همه میزبانی و خدمتکاریش در رای و نشانه و چینه و چیدمان گذاشته میشود.

IV 35

Le feu estaint les vierges trahyront,

La plus grand part de la bande nouvelle;

Foudre à fer, lance les seuls Roy garderont,

Etrusque & Corse de nuict gorge allumelle.

نشان و علامت زنده بودن ، نیالوده ها نیز خیانت می کنند،
قسمت اعظم باند نو،
روشنی تابیدن در اثر چینه و چیدمان ، پیکانی میشود که از پادشاه یگانه و تنها حفاظت می کنند،
اژدها و سیکل روشنایی پر و کامل شدگی مطابقت کلمه خدا با اوضاع زمانه .

IV 36

Les jeux nouveaux en Gaule redressez.

Après victoire de l'Insubre champaigne,

Monts d'Esperie, les grand liez troussiez,

De peur trembler la Romaine & l'Espagne.

نمایه ایماء جدید کلمه خدا در قلاب ماهیگیری دوباره شکل دهی میشود.
بعد از پیروزی کمپ اینسوبری (متحد شده و دوباره جنگ کننده با متحد)،
قالبهای امید و اعتماد اتصالاتش بسته بندی میشود،
خورشید پرستان و مهر آوران از ترس می لرزند.

IV 37

Gaulois par sauts, monts viendra penetrer,

Occupera le grand lieu de l'Insubre :

Au plus profond son ost fera entrer,

Genes, Monech pousseront classe rubre.

IV 38

Pedant que Duc, Roy, Roine occupera,

Chef bizantin captif en Samothrace :

Auant l'assaut l'un l'autre mangera,

Rebours ferré suyura de sang la trace.

ملانقطه ای فضل فروش کسی است که فرمانده و پادشاه و ملکه سبا را چنگ زده نگاه می دارد،
رئیس طنین سخنچینی و غیبت ، اسیر در قربانیگری خدایان قدرتمند ،
پیش از حمله، یک مرد مرد دیگری را ادعا و دعوی می کند،
بعقب زدن موجود گرفتار در قلاب، (دجال)، رد و اثر رنگ را دنبال می کند.

IV 39

Les Rodiens demanderont secours,

Par le neglet de ses hoirs deaissée,

L'empire Arabe revalera son cours,

Par Hesperies la cause radressee.

دست یازندگان در کمین ، کمک طلب می کنند،
بوسیله غفلت از اتهاماتشان ترک و رها و دست کشیده شده میشوند،
امپراطوری عرب مسابقه و دور خود را ارزشگذاری مجدد می کند،
با امید و آرزو ، آفرینش ، راست و میزان میشود.

IV 40

Les forteresses des assiegez ferrez,

Par poudre à feu profondes en abysme :

Les proditeurs seront tous vifs serrez,

Onc aux Sacrifices n'advint si piteux scisme.

محاصره سنگر محکم تر میشود،

با پودر در جهت رای و نشان در پایین ترین عمق،

مواد درنده همه راه درز کردنهایش بسته میشود.

هرگز در قربانیگری برای خدایان چنین زلزله غیر اخلاقی رقت انگیز رخ نداده بود.

IV 41

Cymnique sexe captive par hostage,

Viendra de nuict custodes decevoir :

Le chef du camp decev par son lignage,

Lairra le genre, fera piteux avoir.

رابطه جنسی مایه بدبینی اسیر گروگیری میشود،

خواهد آمد دلسردی از بازرسی تطبیق کلمه خدا به واقعیت زمانه توسط مرجع مذهبی،

رئیس کمپ بوسیله رسته خود فریب می خورد،

رمزگشایی نر یا ماده می کند

برآورد درب و داغونی خواهد داشت.

IV 43

Seront ouye au ciel armes battre,

Celuy an mesme les divins ennemis :

Voudront loix sainçtes injustement debattre :

Par fraude & guerre bien croians à mort mis.

از طرح نشاندار کشمکش لشگرها به گوش می رسد،

خیلی شبیه به رگه تابان خدایان دشمن ،

می خواهند خیلی ناجوانمردانه قوانین مقدس را بکوبند،

با برق و براق کردن و ستیز ، مومنان در مرگ گذاشته میشوند.

IV 42

Geneue & Lâgres par ceux de Chartre & Dolle,

Et par Grenoble captif au Montlimart

Seyssset, Losanne par fraudulen en sera tesmoing.

IV 45

Pa conflit Roy, regne abandonnera,

Le plus grand chef faillira au besoing,

Morts profligez, peu en rechappera,

Tous destranchez, un en sera tesmoing.

در میان کشمکش و ناسازگاری ، پادشاه ، حکومت را ول و رها می کند،
بزرگترین رهبر در زمان احتیاج ، کوتاهی می کند،
نمایه و پروفایل مرگها روی کار میاید، قلیلی قسر در میرود.
دنباله همه چیز بریده میشود ، یک نفر گواهی دادنش درست از آب در میاید.

IV 46

Bien defendu le fait par excellence,

Garde toi Tours de ta proche ruine :

Londres & Nantes par Reims fera deffence

Ne passez outre au temps de la bruine.

کاملا دفاع شده حقیقت با خوبی،
حفاظت تو چرخش می کند از نزدیکی ویرانیت،
سزاوار شدن به آقایی و شیوه و روش بوسیله فردی برتر دفاع میشود،
زمانیکه باران ریزریزی می بارد به طرف دیگر نگذر.

IV 47

Le noir farouche quand aura essayé,
Sa main sanguine par feu, fer, arcs tendus,
Trestout le peuple sera tant effrayé,
Voir les plus grands par col & pieds pendus.

سید سرسخت وقتی به تست و امتحان در میاید،
انعام و احسانش در رنگ بوسیله نشانه و رای و چیدمان و اندازه های قیاسی تراز شده،
خیلی زود مردم آنچنان خواهند ترسید ،
که می بینند بزرگترینها با پر و لبریز شدن (نشانه ها) و سبقت جستنها به دار آویخته شده اند.

IV 48

Plannure, Ausonne fertile, spacieuse,
Produira tahons si tant de sauterelles,
Clarté solaire viendra nubileuse,
Reger le tout, grand peste venir d'elles.

برنامه مند، باروری با عظمت، وسیع،
عصبانیت سازی تولید می کند از چنین درجه سازی،
وضوح به مانند خورشید به ابهام می گراید،
همه از او خشمگین ، طعنه زندگی بزرگ برایشان میاید.

IV 49

Devant le peuple sang sera repandu,
Que du haut ciel ne viendra elongner :
Mais d'un long-temps ne sera entendu,
L'esprit d'un seul le viendra tesmoigner.

جلو چشم مردم رنگ افشانده می شود،
که از طرح نشانه دار والا و بارزش برایشان بالاتر نخواهد رفت،
ولی به مدت مدیدی از آن شنیده نخواهد شد،
جوهر و روح کلام یک مرد یگانه برای شهادت دادن خواهد آمد.

IV 50

Libra verra regner les Hesperies,
De ciel & terre tenir la Monarchie,
D'Asie forces nul ne verra peries.
Que sept ne tiennent par rang la Hierarchie.

بالانس همه جنبه ها حکومت غروبها را می بیند،
از طرح نشانه دار و خوب آرایش یافتن نشانه ها در دست می گیرد فرمانروایی یکدست را،
از قدرتهای آسیا هیچکس آنرا نابودشده نخواهد دید ،
آنطور که معنی دیگر کلمه خدا سلسله مراتب روحانیون بلند پایه را در بر نخواهد گرفت.

IV 51

Ve Duc cupide son ennemy ensuivre,
Dans entrera empeschant la phalange,
Hastez à pied si pres viendront poursuivre,
Que la journee conflite pres de Gange.

یک فرمانده ، مشتاق دنباله روی دشمنش است،
وارد خواهد شد و جریان یافتن جریان بوی فهم را مانع می شود،
با عجله در سبقت گرفتن ، آنچنان نزدیک میایند برای دنباله گیری ،
که روز جنگ به مویی بسته است.

IV 52

En cité obsesse aux murs hommes & femmes
Ennemys hors le chef prest à soi rendre :
Vent sera fort encotre les gens-d'armes,
Chassez seront par chaud, poussiere & cendre.

طبق فورمول ماجرا، خوبی و بدی رسیدن، ایجاد عقده روحی می کند در مردان و زنان بالغ،
دشمنان ، به رئیس (دجال) ، هدیه و پیش پرداخت می دهند برای برگرداندن خود،
باد حس و درک قوی خواهد شد بر علیه دستجات لشکر،
بیرون رانده می شوند با رای و نشان ، راندن و گریزانیدن ، کم مایه و بی نشانه کردن .

IV 53

Les fugitifs & bannis revoquez,

Peres & fils grand garnissant les haut puits :

Le cruel pere & les siens suffoquez,

Son fils plus pire submergé dans le puits.

گریزنده ها و جدا شده ها کنار گذارده میشوند،

پرورش دهندگان و سازه بزرگ تزئین می کنند سخنچینی والا شده را،

پرورش دهندگان ظالم و وابستگان ، خاموش میشوند،

سازه نیکش بدتر غوطه ور میشود در سخنچینی.

IV 54

Du nom qui oncques ne fut au Roy Gaulois,

Jamais ne fust un fouldre si craintif,

Tremblant l'Italie l'Espagne & les Anglois,

De femme estrangers grandement attentif.

از مشخصه و شناسه ای که تا آنوقت نبوده است بر پادشاه قلاب ماهیگیران،

هرگز جوشیدن یک آذرخشی چنین هولناک نبوده است،

نشانه های تامل انگیز (کلمه خدا) ، بندگان خورشید و زاویه دارها می لرزند،

از پوشش رنگ کلام نا آشنا و غریب بشدت گوش بزند و برحذرند.

IV 55

Quand la Corneille sur tour de brique jointe,

Durant sept heures ne fera que crier,

Mort presagée de sang statuë tainte,

Tyran meurtry aux Dieux peuple prier.

وقتی کلام خدا بطور غریب و نا آشنا در دوره با دلسپاری و دل آرامی وصل میشود،
مادامیکه معنی دیگر کلمه خدا با بی اعتنیایی و عدم انقیاد همراه است کاری جز جار زدن نمی کند
پیش بینی و پیش شگون مرگ ، رنگی است که سرنوشت را لکه می اندازد،
دیکتاتور از آزار روحی و اخلاقی کبود شده در جهت خدایان مردم راست و میزان می کند.

IV 56

Après victoire de raibeuse langue,

L'esprit tenté en tranquil & repos :

Victeur sanguin par conflit fait harengue,

Rostir la langue & la chair & les os.

بعد از پیروزی زبان بهم پیوستن و بافتن،
روح وسوسه شده ، در آسودگی و آرامش،
پیروز رنگ شده در میان ستیز ، سخنرانی آتشین خود را در برابر مردم انجام می دهد،
بریان کردن زبان ، همانندی و بزرگی.

IV 57

Ignare envie du grand ROy supportee,

Tiendra propos deffendre les escrits :

Sa femme non femme par un autre tentee,

Plus double deux ne feront ne cris.

از بیخ عرب ، از حمایت شدگی پادشاه آزرده میشود،
پیشنهاد و گزاره حمایت و دفاع از نوشته را بر می گزیند،
پوشش رنگی غیر مادینگی اش بوسیله یک نفر دیگر ،مورد وسوسه و تلاش قرار می گیرد،
بیش از این پوششهای جلوگیری کننده، نه انجام می دهند نه می سرایند.

IV 58

Soleil ardent dans le gosier coller,

De sang humain arroser terre Etrusque :

Chef seille d'eau mener son fils filer,

Captive dame conduite en terre Turque.

خورشید، پرحرارت ، در چسباندن اتیکت به گلوی پرنده سرنوشت،
از رنگ انسان ، نشانه های آرایش گرفته بدون قاعده منطقی،آبیاری میشود،
مدیر جوهر حس و فهم خوب و خرم بودن رهنمون می کند به رد و اثر سازه نیکش،
مومن ناسازگار اسیر، به نشانه های آرایش گرفته ترک هدایت می یابد.

IV 59

Deux assiegez en ardante fureur,
De soir etaints pour deux plaines tasses,
Le fort limé, & un vieillard resueur,
Aux ganeuois de Nira monstra trasse.

دو محاصره در اشتیاق شعله ور،
پناهگاه رفتن خاموش می شود برای دو طعم واضح،
فرسودن شدید و یک رویاپردازی قدیمی،
به مردمی که زانو زده اند رد و اثر نمایان شده از پشت ابر را نشان می دهد.

IV 60

Les sept enfans en hostage laissez,
Le tiers viendra son enfant trucer :
Deux par son fils seront d'estoc percez,
Genes, Florence, lors viendra enconder.

زاده معنای دیگر از کلمه خدا با گروگان گرفته شدن رها میشود،
کسیکه قائل به خوب بودن خود و عیب دیگری است می آید تا زاده اش را از بین ببرد،
جلوگیری کننده ، با سازه نیکش توسط چینه و چیدمان ، سوراخ می شود،
اطلاعات و شکوفایی علمی آهنگام میاید برای طبق کد ترجمه کردن.

IV 61

Le vieux mocqué, & privé de sa place,

Par l'etranger qui le subornera :

Mains de soon fils mangees dvant sa face

Les freres à Chartres, Orleans, Roven trahya,

روحانی (یا تحقیر کننده) پیر و عدم دسترسی بیتش برای غیر خودی ها ،

بوسیله فردی ناشناس دزدکی و محرمانه اغوا میشود به کاری بد،

انعام و احسان سازه خویش را دعوی می کند در جلو رویش،

کسانیکه دنبال منافع خود هستند در تعبیر منشور و سندها، طلایی شده ها ، سرقت ، خیانت خواهد کرد.

IV 62

un coronel machine ambition,

Se saisira de la plus grande armée :

Contre son prince feinte inventinon,

Et decouvert sera sous sa ramée.

یک ماشین تاج گل جاه طلبی،

می رباید جایگاه بزرگترین ارتش را،

برعلیه شاهزاده اش اختراع تقلبی و بخود بستنی،

و کشف و نمایان شده (کلمه خدا)، خواهد ماند در زیر شاخ و برگهایش.

IV 63

L'armée Celtique contre les montagnars,

Qui seront sceus & prins à la lipée :

Paysans fresz pouseront tot faugnars,

Precipitez tous au fil de l'espée.

لشگر حکاکی کنندگان بر علیه کسانی که در قالبها محکم چسبیده اند،
که این قالبها حکم مهر حق و تسلط دارند و قرار داده شده اند در نوشیدن با لیس زدن،
کشتکاران با راه پیشروی را گشودن جانوران را به تلاش و می دارند،
شتاب بخشیدن حرکت همه با لبه شمشیر.

IV 64

Le deffaillant en habit de bourgeois,

Viendra le Roy tempter de son offence :

Quinze soldats la plus part ustagois,

Vie derniere & chef de sa chevance.

مرد شکست خورده ، در هیئت و پوشش بورژواها،
میاید به خشم خود را آشکار کردن به پادشاه از نیش زخم او،
سرباز تبهکار تمایز بطرف بزرگترین قسمت ،
زندگی گذشته و رئیس از مرتب کردنش برای چیره شدن.

IV 65

Au deserteur de la grand forteresse,
Apres qu'aura son lieu abandonné :
Son adversaire fera si grand proüesse,
L'Empereur tost mort sera condamné.

در جهت ول و رها ساخته بزرگترین دژ،
بعد از اینکه جایگاهش ول و ترک کرده شده ،
هم آورد مخالف او چنان جرات بزرگی می کند،
که مرگ زود هنگام امپراطور، مورد ندامت واقع میشود.

IV 66

Soubs couleur faine de sept tetes rasées,
Seront semez divers explorateurs :
Puys & fontaines de poison arrousées
Au fort de Gennes humains devorateurs.

زیر رنگ مقدس کلمه خدا با معنی باطنی دیگر که چارچوبهای فکری دیگر را تراشیده،
کشفیات به گونه ایی دیگر روییده می شوند،
از منبع و سرچشمه ،ترسیم کردن با اصلاح و متعادل شدن خیس می خورد،
با زور دستجات انسانی بلعیده و مضمحل میشود.

IV 67

L'an que Saturne & Mars esgaux combust,

L'air fort sieché, longue traiection :

Par feux secrets, d'ardeur grand lieu adust

Peu pluie, vent, chaud, guerres, incursions,

سالی که رست تخم (رستم) و الهه ستیز (شیطان) بطور برابر میسوزند (در نور یکدیگر)،
نشان دادن شباهت ، خیلی کم برون داد است ، بافتن و طراحی طولانی ،
بوسیله نشانه و علامت رمزی ، محیط بزرگی از حرارت می سوزد،
بارش کم ، حس و باران ، گرما، درگیری و ستیز ، تاراج و دست درازی .

IV 68

En l'an bien proche elongné de Venus,

Les deux plus grands de l'Asie & d'Affrique :

Du Rin & Hyster, qu'on dira sont venus,

Cris, pleurs à Malte & costé à Lygustique.

در سالی که خیلی نزدیک است زیبای آسمانی شدن به درازا کشیده،
دو بزرگترین از طلوع و چرخیدن بسوی گشودن راه تولد ،
از راز و بالا بر که گفته میشود زیبای آسمانی هستند،
نالها و اشکها بخاطر مسئله حفاظت از خود و رتبه بندی و ارزشگذاری دسته و باندی.

IV 69

La cité grande les exilés tiendront,
Les citadins morts meurtris & chassez :
Ceux d'Aquilée à Parme promettrent,
Montrer l'entrée par les lieux non trassez.

قانون مجازات ، تبعیدی ها را می گیرد،
مرگ ، شکنجه و دنبال کردن و شکار مجازات شوندگان،
آنها که دردمند و غمگین شده اند وعده های هم قافیگی را تداعی می کنند،
ورود شبخ ترسناک به میدان بدون کوبیدن و کشتن.

IV 70

Bien contiguë des grands monts Pyrénées,
un contre l'aigle grand copie adresser :
Ouvertes vaines, forces exterminées,
Que jusque à Pau, le chef viendra chasser.

کاملاً همجوار قالبهای بزرگ پر از نشانه در سکوت ،
یک کپی برداری بزرگ متضاد طرح بدلی جانشین گرفته شده
دایر شده بیهوده ، نیروها بر انداخته میشوند،
تا اینکه تا مرحله شپشو شدن او میاید به تعقیب و شکار رئیس و مدیر.

IV 71

En lieu d'espouse les filles trucidées,
Meurtre à grand faute ne sera superstile :
Dedans le puys vetules inondées,
L'espouse estainte par hauste d'Aconile.

در جایگاه زوج و پوشش رنگ همسری، دختران کشته میشوند،
قاتل ، در کژی بزرگ دارای سبک بالایی نیست ،
داخل چاه ، بی اهمیتهای اضافی ، سرشان زیر آب کرده می شود،
زوج و پوشش رنگ همسری ، منقرض میشود بوسیله بالا بردن آفت گرگ.

IV 72

Les Artomiques par Agen & l'Estore,
A saint Felix feront le parlement,
Ceux de Basas viendront à la malheure,
Saisir Condon & Marsan promptement,
طرفداران سلامت و توانایی و سرزندگی در میان معتقدان پیرتر شده و پرده ،
در جهت فرد مقدس خوشبخت و شاد با او گفتگو می کنند،
آنهایی که دنبال کنار گذاشتن ریشه ای و بیخ و بن هستند به سراغ بدبختی می روند،
دریافتن و نه چندان بد و قابل بخشایش دانستن و کاشتن الماس ناگهانی و فوری در خاتم.

IV 73

Le nepueu grand par forces prouvera,

Le pache fait du cœur pusillanime :

Ferrare & Ast le Duc esprouvera,

Par lors qu'au soir fera la pantomine,

خواهرزاده بزرگ در میان نیروها با برهان آوردن نشان خواهد داد برای بجا نشاندن (پادشاه) و آزمودن، خواهد کرد،

عمل به قول و قرار توسط دل ترسو و زیون،

تقویت (تقدیر مورد پسند) و مادامیکه فرمانده سازمان تست و ارزشیابی می کند،

تا آنهنگام که در زمان غروب با زبان ایماء و اشاره و حرکات بدن می فهماند.

IV 74

Du lac lyman & ceux de Brannonices,

Tous assemblez contre ceux d'Aquitaine,

Germaines beaucoup encor plus Souisses,

Seront deffaicts avec ceux d'Humaine.

پوشش رنگی و لاک تریبون سخنرانی و آنها که دنبال شکار غیر اخلاقی هستند،

همه جفت و جور و روی هم سوار کردن بر علیه وابستگان به جوهر معنا و مفهوم است،

کسانی که معتقد به بالانس نیکی در زندگی دنیایی با برگزیدگی الهی پادشاه اندخیلی زیاد هنوز سوزانترند،

ناقص و به هم ریخته میشوند همراه با آنها که اهل انسانیتند.

IV 75

Prest à combattre fera defection,

Chef adversaire obtiendra la victoire :

L'arriere garde fera defection

Les deffaillans mort au blanc territoire.

زیرک و دقیق در مبارزه ، میدان را خالی می کند،

رئیس رقیب پیروزی را به دست می آورد،

محافظان عقبی ، دفاع می کنند،

مرگ قصورکنندگان متزلزل در نشانه های آرایش گرفته تابان.

IV 76

Les Nictobriges par ceux de Perigort,

Seront vexez tenant jusques au Rosne :

L'associé de Gascons & Begorn

Trahir le temple, le prestre estant au prosne.

کسانیکه در تاریکی هستند توسط کسانیکه شیفته قالب طلایی هستند ،

رنجیده میشوند و پیوسته نگاهداشته شده مادامیکه در خروشیدن هستند،

مرتبط شدگی لاف زن خود بزرگ شمار با ذوالقرنین،

خیانت به معبد ، بودن روحانی وزیر در زمره مدافعان و توصیه اخلاقی.

IV 77

Selin maonarque, l'Italie pacifique,

Regnes unis Roy chrestien du monde :

Mourant voudra coucher en terre belsique

Après pirates avoir chassé de l'onde.

ماه ، فرمانروای یگانه ، نشانه های قابل تامل صلح ،
تک رنگ و هموار و یکدست میشود سلطنت می کند پادشاه مسیحی دنیا،
در معرض مرگ می خواهد در نشانه های آرایش گیرنده آسیب رسان و آزار دهنده بخوابد ،
بعد از اینکه دزدان ادبی دنبال می کنند موج را برای صید.

IV 78

La grand armee de la pugne civile,

Pour de nuit Parme à l'etrange trouvee

Septante neuf meurtris dedans la ville,

Les estrangers passez tous à l'epee,

ارتش بزرگ درگیری شهری،

برای خارجی در اثر چسبیدن مفهوم به وضعیت زمانه امیدی یافت شده ،
آسیب ناشی از گسترش دروغ و سخنچینی در شیوه خاص و همانند عملکرد،
بیگانه ها همه می میرند از چینه و چیدمان.

IV 79

Sang Royal fuis Monthurt, Mas, Eguillon,

Remplis seront de Bourdelois les Landes,

Nauarre, Bygorre, pointes & eguillons,

Profonds de faim vorer de Liege glandes.

رنگ پادشاهی دور میشود به سوار شدن نیش ،

تکمیل شده ها میشوند سرزمین مردابی،

...

...

IV 80

Pres du grand fleuve grand fosse terre egeste

En quinze part sera l'eau diuisee :

La cité prinse, feu, sang cris, conflit mestre,

Et la plus part concerne au collisee.

IV 81

Pont on fera promptement de nacelles,

Passer l'armee du grand prince Belgique :

Dans profondrées & non loing de Bruxelles

Outre passez, detrenchez sept à picque.

پل ناگهان آشیانه را میسازد،

گذر کردن ارتش شاهزاده بزرگ بلژیک،

در طرح رنگ آمیزی تکمیل شده و نه دور از مرداب سیاه ،

عبور دیگری ، بریدن و برکنندن معنی دیگر کلمه خدا توسط الله سرنوشت.

IV 82

Amas s'approche venant d'slavonie,

L'Oletant vieux cité ruinera :

Fort desolee verra sa Romanie,

Puis la grand flamme etaindre ne sçaura,

با کوله باری تلنبار نزدیک میشود به آمده از صحبت ساکت،

آلوده کننده قدیمی قانون مجازات خراب میشود،

غم شدید می بیند در ترمیم و بهبودی دهندگی اش،

بعد خاموش کردن شعله ها را نمی داند و تمرین درمان نمی کند.

IV 83

Combat nocturne le vaillant capitaine

Vaincu fuira, peu de gens profligé :

Son peuple emeu sedition non vaine,

Son propre fils le tiendra assiégué.

نبرد برچسبیدن و منطبق شدن کلام الهی با واقعیت زمانه توسط فرمانده شجاع،
مغلوب فرار می کند، کمی از دستجات خطوط طرح را دنبال می کنند،
مردمش بدنبال فریب و افسون برای آزارش به حرکت در می آیند سفت و سخت،
سازه نیک و مناسبش به محاصره در می آید.

IV 84

Vn grand d'Auserre mourra bien miserable

Chassé de ceux qui sous luy ont esté,

Serré de chaines, apres d'un rude cable,

En l'an que Mars Venus, Sol mis en esté.

یک بزرگ زهد و بی زینتی کاملاً بدبختانه می میرد،
تعقیب برای شکار میشود از طرف کسانی که مادون او بوده اند ،
فشرده میشود از زنجیره ها ،بعد از قالب یری طناب مانند خشن ،
در رگه نمایانیکه زیبای آسمانی الهه جنگ، شمس در تابستان متصل شده اند.

IV 85

Le charbon blanc du noir sera chassé,
Prisonnier fait mené au tumbereau,
Moré Chameau sus pieds entrelassez,
Lors le puisné filera l'aubereau.

سکه قلبی بی معنی از طرف سروری بیرون رانده میشود،
زندانی را بطرف حس سریع الاثر سرگینی هدایت می کند،
زیبایی مسلمانی تحت پیش گرفتن پیچ میخورد،
مادامیکه مادون دور میسازد شاهین را از پرواز.

IV 86

L'an que Saturne en eau sera conioinct,
Avec Sol, le Roy fort & puissant,
A Reims & Aix sera receu & oingt,
Après conquestes meurtrira innocens,

در رگه نمایی که مظهرپیام رسانی و جوهر معنا و مفهوم بهم می پیوندند،
همراه با شمس ، پادشاه قوی و توانا،
افراد چیره شونده و بقیه دریافت می کنند و تدهین،
بعد از مبارزه افراد بیگناه را شکنجه و آسیب می رسانند.

IV 87

un fils du Roy tant de langues appris,
A son aîné au regne differant :
Son pere beau au plus grand fils compris
Fera perir principal adherant.

یک سازه نیک پادشاه ، چه بسا که از زبان خاص یاد گرفته شده میشود،
از سازه قبلی اش در حکومت ، متفاوت،
بوجود آورنده زیبایش در سوی بزرگترین سازه نیک روشن و تشخیص داده میشود،
قسمت اساسی چسبیده به آن را از بین می برد.

IV 88

Le grand Anthoine du moindre fait sordide
De Phytiaise à son dernier rongé,
Un qui de plomb voudra estre cupide,
Passant le port d'eslev sera plongé.

بزرگمرد ارزشمند از واقعیتهای کمتر پلشت از
شپشویی، به خاطر جویدن و خاییدن واپسینش،
آرزو میکند برای کسی که آزمون مهر است،
در حال گذراندن به بایی است که فرد برگزیده غوطه ور شود.

IV 89

Trente de Londres secret conjureront,

Contre leur Roy sur le pont l'entreprinse,

Luy, satalites la mort degousteront.

Un Roy elev blonde, natif de Frize.

به منظور باطل نشان دادن سزاوار آمدن سروری و آقایی بطور نهانی توطئه می چینند،

بر علیه پادشاهشان در روی پل بیعت،

خودش ، را از تقدیری از مرگ که حتما میشود منزجر میسازند،

یک پادشاه بالا برده میشود زیانزد ، مادرزاد از روم شرقی.

IV 90

Les deux copis aux murs ne pouvrront joindre

Dans cest instant trembler Milan, Ticin :

Faim, soif, doutance si fort les viendra poindre

Chair, pain, ne vivres, n'auront un seul boucin.

دو رونوشت برداری (از کلام اولیاء الله) بخاطر دیوارها بهم نمی پیوندند،

در این زمان است که صحنه باز و آشکار شدن و حل شدن و جریان یافتن (کلمه الهی) به لرزه در میاید،

گرسنگی و اشتیاق و تشنگی و شک داشتن چندان قوی است که به نیش زدن در میایند،

همانندی ، زدن و دور کردن چیز مطبوعشان ، بدون مایه زندگی شدن ، باعث میشود بدون نعره واحد شوند،

IV 91

Au Duc Gaulois contraint battre au duelle,

La nef Meselle monech n'approchera.

Tort accusé prison perpetuelle,

Son fils regner avant mort taschera.

در جهت فرمانده دوستدار قلاب ماهیگیری ، زدن در جهت دوئل مهار شده،
کشتی جنگی هسته اصلی کوچک کردن با اقدامات قهری نزدیک نمیشود،
به اشتباه و خطا متهم شده به زندان ابد،
حکومت کردن سازه نیکش قبل از مرگ لکه دار خواهد شد.

IV 92

Teste trenchee du vaillant Capitaine,

Ser jetté devant son adversaire,

Son corps pendu de sa classe à l'antenne,

Confus fuira par rames à vent contraire.

تابلو کننده شده فرمانروای شجاع ،
انداخته میشود به پیشی گرفتن رقیب مخالفش ،
بدنه و شاکله شناختی او در کشتی آویخته به آنتن است
فرد گیج فرار می کند پارو ها در باد مخالف است.

IV 93

Un serpent veu proche du lit Royal,

Sera par dame, nuit chiens n'abbaieront :

Lors naistre en France un Prince tant Royal

Du Ciel venu tous les princes verront.

یک شیطان در نزدیکی بستره سلطنتی دیده میشود،

توسط فرد حنیف دیده شدن در برچسبیدن کلام الهی به واقعیت زمانه انجام میشود، سگها پارس

نمی کنند،

در این حال که یک شاهزاده به همین اندازه پادشاهانه زاده میشود در روراستی،

از طرح شناسه دار سزاوار آمده شده همه شاهزاده ها می بینند.

IV 94

Deux grands freres seront chasses d'Espagne

L'ainé vaincu sous les monts Pyrennees :

Rougir mer, Rosne sang leman d'Allemagne,

Narbon, Blyterres, d'Ath, contaminees.

دو جستجوی بزرگ برای صواب آن توسط مردمان خورشید پرست بیرون رانده میشوند،

بزرگتر شکست می خورد در قالبهای رای و نشانه در سکوت،

سرخ شدن در حالت غفلت از تعقل، غرزدن از رنگ سخنران مذهبی برای همه ،

حکایت خوش عاقبتی ، آبله و موضوعاتی که شدیداً مورد انتقاد است ، غیر مذهبی نما و آزادی، باعث

ناخالصی و آلودگی و غیر یکدستی هستند.

IV 95

Le regne à deux laissé bien peu tiendront,

Trois ans sept mois passez feront la guerre :

Les deux vestales contre rebelleront,

Victor puis nay en Armonique terre.

حکومت دو نفره اینکه آزاد گذاشته شده باشد را خیلی کم برگزار می کنند،

ستیز می کنند برای رد کردن شهرت دروغ و تهمت از خود به دیگران و نشان دادن اینکه رگه نمایان آنها حق است،

دو گروه پاکدامنی در جهت مخالف شورش می کنند،

پیروز بعدا زاده می شود در نشانه های آرایش گرفته ای که هارمونی را رعایت می کند.

IV 96

La sœur aisnee de l'Isle Britannique,

Quinze ans devant le frere aura naissance,

Par son promis moyennant verrifique,

Succedera au regne de Balance.

همانندی نقاشی تهمت و زشتی پیشین و اولیه،

در تمایز یافتن با رفتارهای خوشدلانه واهی به جادو پیشاروی جستجو برای قصدشان ، تولد خواهد داشت،

با وعده اش در جهت بررسی صحت ،

پس از آن موفق به حکومت در توازن و تعادل میشود.

IV 97

L'an que Mercure, Mars, Venus retrograde,

Du grand Monarque la ligne ne faillir,

Esleu du peuple l'usitant pres de Gagdole,

Qu'en paix & regne viendra fort enviellir.

در سالی که مظهر پیامرسانی و الهه جنگ و زیبایی آسمانی به قهقرا می روند،
از فرمانروای بزرگ، خط مشی وامانده نمی شود،
برگزیده خدا شناخته میشود توسط اقدام مردم تقریباً در گروههای نامنظم،
کسیکه در صلح و حکومت قویا رشد کرده و بزرگ می شود.

IV 98

Les Albanois passeront dedans Rome,

Moyennant Langres demiples affublez,

Marquis & Duc ne pardonner à homme,

Feu, sang morbile, point d'eau, faillir les bleds.

زاده های طرح جایگزین شده، عبور می کنند به ترمیم و بهبودی،
در جهتی تحقیرآمیز، نصفه نیمه لباس مبدل میپوشند،
مرزبان و فرمانده سازمانی مرد را نمی بخشند،
رای و نشانه، رنگ ناخوشایند، نقطه نظر جوهر معنا، نارسایی در هدف رسیدن مجموعه هم رفتار.

IV 99

L'aisné vaillant de la fille du Roy,
Repoussera si avant les Celtiques,
Qu'il mettra foudres, combien en tel arroy,
Peu & loing puis profondes Hesperiques.

جویای احوال حسهای ارزشمند و شجاعانه پادشاه ،
به تاخیر می اندازد اینچنین پیشروی حکاکان را،
بطوریکه قرار می دهد براق کردنها را تا چه اندازه در اینچنین ردیف مزین ،
انگشت شمار و دور سپس رنگ آمیزی نهایی می کند غروب را.

IV 100

De feu celeste au Royal edifice,
Quand la lumiere du Mars deffaillira,
Sept mois grand' guerre, mort gent de malefice,
Roven Eureux, au Roy ne faillira.

از رای و نشانه آسمانی بنای پادشاه،
هنگامیکه فرد نورانی در برابر الهه جنگ نیروی خود را می بازد،
شهرت دادنهای معنی دیگر کلمه خدا در نبرد بزرگ، مرگ دسته وگونه بدشگون ،
معنی نا آشنا و جدید قوی پادشاه شکست نمی خورد.